



سناد نگارگری

انسان است

کند. وزارت ارشاد به عنوان متولی امور مربوط به فرهنگ و هنر بیشتر بودجه خودش را مصروف بخش کارمندی خودش می کند. در واقع یک اداره است که در خدمت کارمندانش است. به جای این که بیایند استادان را دعوت به کار کنند و امکانات مناسبی برایشان فراهم کنند، کارهای جانبی می کنند. می دانم که استادان معاصر همگی استخدام فرهنگ و هنر بودند. مثلاً استاد مهرگان را می دانم که فقط هفته‌ای یک روز کلاس داشتند، و بابت آن حقوق کامل می گرفتند. در واقع ارشاد خودش را به چنین استادانی متعهد می دانست. من کسی بودم که استاد گودرزی (دیباچ) به من گفتند تو تنها شخصی بودی که من توانستم در یک نهاد دولتی جذب کنم. بارها نمایشگاه گذاشته بودم و از همین طریق ارتزاق می کردم. ضمن این که سفارشی هم کار نمی کردم و با کم و زیاد همان نمایشگاه‌ها زندگی می کردم. دانشگاه ها هم حقوق بسیار پایینی می دادند که با زندگی سختی نداشت. من پنج دوره در دوسالانه نگارگری رتبه کسب کردم، حداقلش این بود که موزه باید از من یک کار می خرید. خوب این کمک بزرگی به زندگی من بود که سال‌ها تمام زندگی ام را روی آن گذاشتم. کارهایی که از استاد فرشچیان یا استاد مهرگان یا استاد آقامیری می خریدند، اندازه قیمت یک آپارتمان بود. اما من تا حالا نتوانستم یک کارم را به اندازه دو متر آپارتمان هم بفروشم. شرایط به قدری تنزل کرده که اساساً نمی توانیم خودمان را با آن دوره قیاس کنیم. فقط به عشق هنر کار می کنیم.

با نزدیک شدن مرز هنرهای تجسمی به یکدیگر و تاثیر پذیری نقاشان سبک‌های مختلف از همدیگر، شکل تازه‌ای از نقاشی به وجود می آید که نه نقاشی مدرن است و نه نقاشی ایرانی. یا برعکس هم نقاشی مدرن است هم نقاشی ایرانی. این تاثیر پذیری از یکدیگر را چگونه ارزیابی می کنید؟ مثلاً نقاشی‌ای مثل فرح اصولی با تاثیر پذیرفتن از نگارگری در آثار خود، تجربه‌های تازه‌ای داشته که پیشنهادهای جدیدی در دل خود دارد.

نگارگری ما ویژگی‌هایی دارد که منحصر به فرد است اما حفظ اصالت‌ها مسأله مهمی است. استادان معاصر ما نسبت به نقاشی و طراحی اشراف بسیاری دارند، اما از این توانایی به نفع نگارگری سود می جویند. من که از نزدیک با استاد محمدباقر آقامیری حشر و نشر دارم، می دانم که ایشان تا چه اندازه به نقاشی احاطه دارند. یا استاد فرشچیان طراح زبردستی هستند، اما از این هنر برای اعتلای هنر خودشان بهترین استفاده را می کنند. از طرفی استادان دیگری هستند که برای اعتلای نقاشی از نگارگری بهره می برند. این‌ها در واقع دوروی یک سکه‌اند.

هنرمندی همچون استاد فرح اصولی یا سایر اساتید که دست به خلق چنین آثاری می زنند از دسته دوم‌اند و در واقع از نگارگری به نفع نقاشی سود می برند. شاید برای شما جالب باشد که بدانید «امیراند» سه اثر دارد که نقاشی عصر صفوی را مشق کرده است. این تاثیر پذیری در ادبیات گره برداری نامیده می شود. ما گاهی اوقات یک واژه را از زبان دیگری برمی داریم و وارد زبان خودمان می کنیم که در نهایت به ادبیات مان کمک می کند. خیلی از واژه‌ها هم هستند که از زبان فارسی ما وارد سایر زبان‌ها شده است. تا این جای کار خوب است، اما اگر بخواهد به ساختار آن زبان لطمه بزند خوب نیست. در حال حاضر نگارگری ما از این بابت دارد لطمه می بیند. چرا؟ چون نگارگری ما که در خیال ریشه دارد، مدام به سمت عینیت‌گرایی و واقع‌گرایی می رود و این حرکت به اصل نگارگری صدمه می زند.

و آخرین پرسش این که شما در مورد مفاهیم دینی و اعتقادی ما مسلمانان زیاد کار کرده‌اید. این مفاهیم را با چه زاویه دیدی به تصویر می کشید؟

موضوع اکثر آثار نمایشگاه «توحید»، قرآنی است. آثار این رویداد هنری موضوعات مختلفی را در بر می گیرد؛ برای مثال یکی از تابلوها درباره «توحید» و دیگری به مضمون «شکر» اشاره دارد. آیه‌های قرآن به قدری واضح، شیرین و قابل فهم هستند که با خواندن آن، حقایق به اندازه بضاعت هر فرد روشن می شود. من معتقدم اگر بتوانیم مفاهیم را از آیه‌های قرآنی اتخاذ کنیم و آنها را در قالب تصویر به مخاطب نشان دهیم تاثیر بسیار خوبی در بینندگان اثر ایجاد خواهیم کرد که هیچگاه از ذهن افراد خارج نمی شود. کار من بیشتر محتوایی است و پرداختن به مفاهیم ارزشی که از آغاز خلقت وجود داشته و تا قیامت هم ماندگار است، برایم اهمیت دارد.

هدف من از برگزاری نمایشگاه نیز بیان یکسری از همین ارزش‌هاست و اینکه بتوانم مفاهیم قرآنی را با تصویر نشان دهم. از نظر من محتوای هنر اهمیت بیشتری نسبت به دیگر موضوعات دارد و هدف من هم فقط نقاشی کشیدن نیست؛ چرا که فکر می کنم هدف هنر، تعالی روح است و آثار هنری باید بتوانند در جوامع مختلف تاثیرات فکری، انسانی و اخلاقی داشته باشند.

ما تا کنون داشتیم از آن چه دیگران کاشته بودند بهره می بردیم. در این سی سال اخیر سرمایه‌گذاری چندانی برای هنر نگارگری نشد. من از سال ۱۳۶۷ تا حالا دارم کار می کنم، اما فردی و با قناعت. از خودم گذشتم، خوشی‌هایم را نادیده گرفتم، با حداقل‌ها ساختم که بتوانم این مسیر را درست ادامه بدهم. با احتساب چنین شرایطی برای کسانی که مثل من هستند، ادامه دادن برای نسل بعدی بسیار سخت خواهد بود. چون روزگاری بود که من هزینه چندانی نداشتم، اما حالا ثانیه به ثانیه زندگی هزینه دارد. نتیجه این که هنر جوی امروز باید یک پشتوانه مالی داشته باشد و بتواند هزینه‌های گزاف امروزی را مدیریت کند. از طرفی ابزار این هنر گران است و حمایتی هم نمی شود. به خاطر دارم وقتی قرار شد اولین نمایشگاهم را برپا کنم، چیزی حدود ۱۵ میلیون تومان امروز به من دادند تا بتوانم ابزار اولیه را فراهم کنم. البته این پول را به همه دادند و فراموش نکنید که ما همه در ابتدای راه بودیم. الان سالیان سال است که نمایشگاه برگزار نمی شود. هنرمند با چه انگیزه‌ای کار کند وقتی نمایشگاهی در میان نیست و کارش را نمی تواند به فروش برساند؟ حتی در گالری خصوصی هم نمی تواند کارش را به نمایش بگذارد چرا که گالری‌های خصوصی فقط هنر مدرن عرضه می کنند. نه حمایت دولتی وجود دارد نه نمایشگاه‌های دولتی. خوب وقتی رقابت نباشد، انگیزه نباشد، هنرمند برای چه و برای که باید کار

آن دوره را احیا کنیم. این هنرستان باعث شد شاگردان خوبی تربیت شوند از جمله ابوطالب مقیمی، محمدعلی زاویه، علی مطیع و... این بزرگان شاگردان دیگری تربیت کردند از جمله استاد بنده محمدباقر آقامیری که شاگرد استاد زاویه بودند.

هنرستان دیگری در اصفهان تاسیس شد که استاد فرشچیان از شاگردان آن هنرستان بودند. نتیجه این اقدام اساسی و بنیادین را در دهه‌های اخیر دیدیم. در واقع نوعی سرمایه‌گذاری اتفاق افتاد که سه چهار دهه بعد نتیجه‌اش را به عین دیدیم و استادانی چون مجید مهرگان، محمدباقر آقامیری، محمود فرشچیان محصول آن دوران‌اندیشی فرهنگی بودند. همین اتفاق در موسیقی افتاد و با تاسیس هنرستان‌های موسیقی استادان بزرگی وارد آموزش عمومی شدند و شاگردانی تربیت کردند که بعدها هر کدام استاد صاحب‌نامی در عرصه موسیقی ایران شدند. از موضوع دور نشویم. در اولین دوسالانه‌ای که دهه هفتاد با حضور استادان فرشچیان، آقامیری و مهرگان برپا شد، سالی که به ایشان اختصاص داده بودند شاهد نمایش شاهکارهایی از این سه استاد بود که در دنیا می توان به آن‌ها افتخار کرد و تا ابد به آن بالید.

فکر می کنید سی سال بعد چه آینده‌ای برای نقاشی ایرانی رقم خواهد خورد؟

